

بیان نمایند ولی بکلی از آیات صریحه ( که اغلب مردم آنها را شبانه روز قرائت می‌کردند و مواظبت حفظ آنها مینمودند ) صرف نظر نمایند ؟

## داستان گواهی طلبیدن امیر مومنان در

### موضوع غدیر خم

از جمله مؤیدات (۱) مرام ما آنکه حضرت امیر مومنان (ص) گواهی طلبید از اصحاب پیغمبر (ص) و فرموده حدیث غدیر خم را هر کس از رسول خدا شنیده باشد گواهی بدهد تا کسانیکه در آنجا حاضر نبوده‌اند از این مستحضر باشند گروهی باشد شهادت داده‌اند که ما از زبان کوه‌ر نشان برگزیده حق (محمد ص) شنیدیم که فرمود (من کنت مولاه فعلی مولاه) در کتاب ینایع الموده تألیف شیخ سلیمان حنفی مذهب (فصل مستقل در صفحه ۲۸ چاپ بعضی برای این مطلب عنوان کرده از مسند احمد بن حنبل نقل کرده که با سند خود روایت مینماید از سعید بن جبیر از ابن عباس رضی الله عنهما که میگوید (علی ص) مردمان را در وسط مسجد جمعه جمع کرد و پس از آن فرمود سوگند میدهم بخدا هر مسلمانی شنید، که پیغمبر خدا (ص) در غدیر خم فرموده و هر چه گواهی بآن بدهد هفده نفر باشد و گفتند ما شنیدیم هنگامیکه آن بزرگوار از دست امیر مومنان گرفت فرمود برای مردمان نمیدانید من اولی بمومنان از نفسهای آنها بیباشم عرضه داشتند بلی میدانیم پس از آن (من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و ال من و الاء و عباد من عاده

در همین صفحه از کتاب موالات ابی العباس نقل مینماید که با طریق و سند

(۹) این جمله هر گاه قطعا مرام ما دلالت نکند لافل ایجاب ظن بآن نموده باور می‌شود گذشته و آینده میکند فلذا بام مؤید نامیدیم

روایت نموده از ابی اسحق که گفته درباره استشهاد مولای متقیان (علی ص) بمن خبر داد اشخاص بی شمار که آن بزرگوار در وسط مسجد کوفه قسم داد بخدا که هر کی گفتار رسول خدا را در روز غدیر شنیده از گواهی کوتاهی ننماید هفده نفر برخاستند همه شان شهادت دادند که ما همین گفتار من کنت مولاه فعلی مولاه را از زبان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله شنیدیم خلاصه گواهی طلبیدن امیر مومنان از قضایای مشهوره و مسلمه اهل تسنن و تشیع است و مقصود ما از نگارش این داستان اثبات حدیث غدیر خم نیست چه که آن جای انکار با حدی نیست و همچنین درخشندگی و مولویت علی ص و واجب الاطاعه بودن آنحضرت از جانب حق از خورشید تابان فروزنده تراست زیرا که این حدیث صریح است در اینکه همان مولویت و آقائی و فرمانفرمائی که از جانب حضرت آفریدگار حضرت ختمی مرتبت بخشیده شده بود و بایستی هر مرد ایمان دار وزن باور کننده تسلیم فرمان حق شده یوغ و طوق اطاعت و فرمان بری را بگردن خود بگذارد همین مرتبه جلالت بحضرت امیر مومنان علی (ص) از جانب خداوند متعال لطف شده باید همه اهل ایمان آن بزرگوار را آقای خود بشناسند و واجب الاطاعه و مولای خود بدانند

نظر ما از این نگارشات اثبات این معانی نیست بلکه مرام ما تا ایندین معنی است که آیاتی در قرآن مجید که در آنها اسم مبارک علی و فضایل آنحضرت باشد اسقاط نگردید. — و اگر همچو آیاتی بود در زمان پیغمبر اکرم خوانده میشد و بعد از آنحضرت اسقاط شده لا اقل امیر مومنان بر آنها ادریک آنجمنی ذکر میفرمود و از مردم گواهی میطلبید زیرا که از زمان پیغمبر آنقدر تنگدشته بود و اشخاصی بودند که آیاتی قرآنی نازل شده را حفظ کرده بودند و مامی بینیم امیر مومنان در هیچ زمانی چه در زمان خلفاء ثلاثه و چه بعد از آن

مسامحه در بیان حقایق و اظهار حقانیت خود ننموده اند و همه اوقات فضایل و مناقب خود را باقتضاء موقع رسانیده اند تا به معایبه نوشته اند و باخوارج اتمام حجت ها ننموده اند، و در انجمنها مذاکرات نموده و هیچ نام بری از این آیات نفرموده اند قطعاً اگر همچو آیاتی بود لااقل آن بزرگوار در يك مقامی باقتضاء وقت یادی از آنها میفرمودند (از جمله شواهدی که بخوبترین وجهی نقاب از رخ حقیقت بر میدارد) آنکه حضرت سیدالشهداء \* حسین بن علی (ع) در زمان حگوهت \* معویه بن ابی سفیان باز یاده از هزار نفر از بزرگان مسلمین از مهاجرین و انصار و اولادشان و سایرین (در موقع حج در منی انجمن فرموده و فضایل امیر مؤمنان را يك بيك در آن بزم بیان نموده و از حضار گواهی خواسته که هر کی از پیغمبر اکرم ص یا اصحاب او شنیده در باره آن فضایل کتمان شهادت ننمایند هر یکی از آن جمع باشد و گواهی بفضایل امیر مؤمنان و احادیث شریفه که در این خصوص از پیغمبر شنیده بودند دادند و بعداً حضرت حسین فرمود که این طایفی میخواهد بکلی امر ولایت را از بین ببرد هر یکی هر چه شنید بمردم برساند تا این نوراللهی خاموش نگردد و تفصیل این داستان در ناسخ التواریخ و سایر کتابها نگاشته شده هر کی خواهان باشد بآنها مراجعه نماید البته بخرد مندان پوشیده نیست که هر گاه آیاتی (غیر از آیاتی که فعلاً در قرآن موجود است) در زمان پیغمبر ص نازل شده بود و در آنها تصریح بنام مبارک امیر مؤمنان و فضایل و مناقب آنحضرت شده بود حضرت سیدالشهداء در آن بزم که گروه مهاجرین و انصار و تابعین حاضر بودند از آنها یادی مینمود و از ایشان گواهی میطلبد بعضی از آنها که در زمان پیغمبر ص آن آیات را شنیده بودند شهادت میدادند خلاصه اینکه هر هوشمندی يك سیری باحتیاجات

حضرت حسین یا سلمان یا ام السلّمه ام المؤمنین یا حضرت امام حسن یا سایر اصحاب و یاوران امیر مؤمنان بنماید یقین برای او خواهد شد که همچو تعریفی در قرآن نکرشته و از آیات شریفه راجع باین موضوع اسقاط نگردد و اگر بخوایم يك بیک آن احتجاجات را بنکارم باین اوراق زیاد بر بنمایم اگر کسی خواهان آنها باشد رجوع بنماید بکتاب احتجاج طبرسی و ناسخ التواریخ و شرح ابن ابی الحدید و روضة الصفا و احتجاج مجلسی و سایر کتابهای علماء شیعه و سنی (سه نکته سودمند)

### فکرمه فخرستین

استاد مجتهدین بزرگوار حاج شیخ مرتضی انصاری در کتاب رسائل از علامه و شهید اول نقل میکند که ایشان قائل شده اند قرائت قراء ثلثه (ابی جعفر و برادرانش) متواتر است از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باین دعوی تواتر هم محقق ثانی (رضوان الله علیه) اعتماد نموده اند و فتوی داده اند که جایز است خواندن قرآن با قرائت هر یکی

از اینها معلوم میشود که این بزرگان (که اساطین و ارکان علم شمرده میشوند) آن روایاتی را که در خصوص ناقص شدن قرآن مجید رسیده است قابل اعتماد ندانسته اند بآنجا در نظر این بزرگان ضعیف السند یا ضعیف الدلاله بودند

### سوگفتار جامع و سخن وافی در باره این گونه احادیث

آنکه آنها سه قسمند يك قسمتی که در آنها پاره آیات نقل شده (که آنها در قرآن بوده) باندازه خنك و بی معنی است که هر کسی که اندک سواد داشته باشد میفهمد که آنها جعل است و که تر بز نلاب می تواند ظنر آن آیات را تالیف و ترکیب بنماید در صورتیکه برای هیچ بشر امکان پذیر نیست که مانند آیات قرآنی